

تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه طی ۱۰۰ سال اخیر همبستگی اجتماعی ناشی از جامعه‌گرایی مبتنی بر نظام خانوادگی و نظام ایلی دچار فروپاشی شده است، به «ایران» می‌گوید: «در این تحولات، جامعه معاصر ایرانی به جامعه‌ای تبدیل شده که حتی اگر همبستگی اجتماعی هم داشته باشد، کانون آن نیروهای دیگری بود نه نظام خانوادگی و ایلی؛ در این فرایند، جامعه تقلا می‌کرد تا نیروهایی برای این همبستگی اجتماعی از دست رفته، پیدا کند. بنابراین دولت‌ها شکل گرفتند و نظام سیاسی به عاملی برای همبستگی اجتماعی تبدیل شد و فرهنگ اهمیت پیدا کرد؛ اما همه این تلاش‌ها عموماً نافرجام و ناکارآمد بود، یعنی دولت در دوره مدرن نتوانست به عاملی برای همبستگی اجتماعی و سیاسی تبدیل شود و حتی موضوع مناقشه و معارضة شد. در حوزه فرهنگ هم همین اتفاق افتاد و درحالی که می‌توانست به بستری برای همبستگی اجتماعی تبدیل شود، به موضوع مورد مناقشه تبدیل شد و در این میان حتی خود نیروهای فرهنگی مثل روشنفکران هم مناقشه‌ساز شدند.»

او ادامه می‌دهد: «این جریان در نهایت به یک فردگرایی خودمدارانه خودخواهانه انجامیده که به کانون همه رفتارها و اعمال فردی و جمعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شد و چون نظام سیاسی و فرهنگی هم نتوانستند این فردگرایی را معنا و یک فردگرایی مثبت اجتماعی ایجاد کنند، ما دچار بحران‌های عجیبی شدیم، مثلاً در حوزه آموزش اغلب افراد به سمت حد بالای آموزش رفتند و تلاش کردند که وارد دانشگاه بشوند و یک فضای رقابتی شکل گرفت، تا اینکه کرونا شرایط جدیدی را پیش روی ما گذاشت. خب کرونا در ۶-۵ ماه اول کمک کرد تا این نوع دوستی، همبستگی و دگردوستی ترویج پیدا کرده و افراد به هم نزدیک شوند و به یکدیگر کمک کنند، اما چون نیروی مؤثر بالاتری مثل فرهنگ وجود نداشت، نتوانستند از این حس جدیدی که در جامعه به وجود آمده بود استفاده کنند، در نتیجه همه اینها به یک پدیده موقت تبدیل شد و دگردوستی و نوع دوستی نیز به تبع آن آسیب دید و فردگرایی خودخواهانه دیروز به شکل تشدید شده‌تری ظهور

پیش‌بینی کرد. بنابراین شایسته است با برگشت به گذشته ببینیم آیا رویدادهای مشابه سبب پند گرفتن انسان و رفتارهای او شده‌اند؟ معمولاً فرد در بحبوحه بحران قول می‌دهد از این پس مراقب باشد، پیشگیری کند و رفتارهای بهتری داشته باشد. زلزله و سیل باعث می‌شود، مردم و مسئولان به فکر چاره‌جویی برای آینده بیفتند، از مقاومت‌سازی ساختمان‌ها، جلوگیری از فرسایش خاک و حفظ پوشش گیاهی صحبت می‌شود، اما پس از آرام شدن وضعیت، گویی نه‌خانی آمده است و نه خانی رفته است.

به گفته فدائی، در دهه ۱۹۸۰ میلادی به دنبال خوردن گوشت نوعی میمون توسط بومیان آفریقا، ویروس ایدز که به‌طور طبیعی در بدن این میمون موجود بود و کسری هم به انسان نداشت، وارد بدن انسان و همه‌گیری ایدز شد، در سال ۲۰۰۲ میلادی هم چینی‌ها با خوردن نوعی راسو سبب اپیدمی سارس و وارد شدن خسارات مالی و جانی زیادی شدند، امروز هم که در نتیجه بیماری کرونا مشکلات فراوانی گریبان بشر را گرفته است، البته این امید می‌رود که انسان با آگاهی از همه مسائلی که ذکر شد و با استفاده از خرد خود، راه دیگری را در پیش بگیرد، راهی که به بهبود رابطه او با محیط زیست بینجامد و کوشش علمی برای پیشگیری از بیماری‌ها را تقویت کند؛ این راه نیز محتمل است و همان چیزی است که آرزو و امید آن را داریم.

ساماندهی رفتارهای اجتماعی در پسا کرونا بسیار تعیین‌کننده است

جامعه ایرانی در سالی که سپری شد تحولات اجتماعی زیادی را پشت سر گذاشت که بخش زیادی از آن متأثر از شرایط کرونا بود. براین اساس متخصصان اجتماعی از آمدن دوره جدیدی خبر می‌دهند که اگر برای آن برنامه نداشته باشیم، روابط اجتماعی، سبک زندگی و رفتارهای جمعی که در این دو سال شکل گرفته، وارد فاز متفاوت‌تری خواهد شد؛ فازی که می‌تواند ویژگی‌های منفی برآمده از بحران کرونا را تشدید کرده و یا حتی فرصت بازسازی و بازپروری رفتارهای اجتماعی سالم را از ما بگیرد.

اجتماعی و فناوری‌های اینترنتی هستیم. شیوه‌های زیست اجتماعی نوینی در بستر فضای مجازی بیش از پیش چهره خود را نمایان کرده است و امروزه سبک جدیدی در مراودات و رسوم اجتماعی پدیدار شده است. شکل روابط اجتماعی همچون صله ارحام، گفت‌وگوها، مراسم ترحیم و سوگواری‌ها، روابط اقتصادی، مراسم فرهنگی، جلسات و نشست‌ها، گردهمایی‌های علمی و دوره‌های آموزشی تحت تأثیر کرونا تغییر کرده است. همین موضوع موجب تلاش افراد برای یادگیری و ارتقای سطح سواد رسانه‌ای و استفاده از فضای مجازی شده است.

به اعتقاد ایمانی، در بعد سبک زندگی نیز اتفاقات قابل توجهی بروز یافته است که منجر به سبک زندگی سلامت‌محور، خانه‌محور، رسانه‌محور، فرهنگ‌محور و فراغت‌محور شده است. امروز توجه به سلامتی به‌عنوان یک اصل اساسی در خانواده‌ها ریشه دوانیده و دو عنصر مهم و اصلی خودمراقبتی و دیگرمراقبتی جایگزین شده است. در محیط خانه تعامل، همدلی، تغییر در الگوی مصرف، احیای آشپزی بیش از پیش جلوه‌گر شده است. سبک زندگی در مراودات اجتماعی از طریق فضای مجازی تقویت شده است و شاهد دید و بازدیدها، خرید و فروش‌ها، نیاپیش‌ها، همایش‌ها، سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها و جلسات، صله رحم، تدریس و تحصیل به‌صورت مجازی هستیم.

این روانشناس به تغییر در عرصه‌های مختلف زندگی مردم در نتیجه شیوع کرونا اشاره کرده و بیان می‌دارد: در عرصه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی افزایش یافته و مردم در احیای سنت‌های دستگیری و کمک به هموعان پیشقدم می‌شوند. در عرصه‌های فرهنگی، شاهد افزایش میزان مطالعه و کتاب‌خوانی هستیم، اگرچه شکل و ماهیت کتاب‌ها، صوتی و الکترونیکی شده‌اند. در همین عرصه سنت‌های پسندیده ازدواج نیز تغییر شکل یافته و دیگر از هزینه‌های سرسام‌آور و هدر رفتن منابع مال خانواده‌ها و چشم‌وهم‌چشمی‌ها، کمتر اثری مانده است. در نهایت می‌توان به تغییر شکل اوقات فراغت مردم هم اشاره کرد؛ جایی که استفاده از اینترنت و رایانه، تماشای فیلم و سریال به‌عنوان سرگرمی برای گذران وقت، سوق پیدا کردن ورزش از باشگاه‌ها به درون خانه‌ها و گرایش بیشتر به ورزش‌های انفرادی رونق یافته است.

ابعاد زندگی پساکرونایی از منظر روانشناختی

دکتر فرید فدائی، متخصص اعصاب و روان نیز درخصوص پساکرونا یا جهان بعد از کرونا به «ایران» می‌گوید: این روزها مطالب خوش‌بینانه فراوانی حاکی از تأثیر مثبت همه‌گیری کرونا بر جهان‌بینی و رفتار انفرادی یا اجتماعی انسان شنیده می‌شود، عموماً آینده را برحسب تجربیات گذشته می‌توان

پس از دو سال از وقوع نامیمون کرونا و از دل یک فاجعه عظیم، با جامعه‌ای نوین مواجه هستیم که سر برون آورده و تغییر شکل یافته است. جامعه‌ای شبکه‌ای و مبتنی بر ارتباطات جمعی، افرادی که به شدت ایزوله شده‌اند و از فناوری‌های نوین استفاده می‌کنند



جایی و هر زمانی می‌تواند فراهم باشد. او در ادامه می‌افزاید: کرونا بر دو عرصه مهم زندگی بشر بیش از هر چیز دیگری اثر گذاشته است. نخست بر بهزیستی روانی و دیگری سبک زندگی. از منظر روانشناختی، بهزیستی روانی دارای مؤلفه‌هایی دربرگیرنده ابعاد پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد فردی است و سبک زندگی نیز دارای ابعادی همچون تغذیه، ورزش، مسئولیت‌پذیری در مورد سلامت، مدیریت استرس، روابط بین فردی و رشد معنوی است. با بررسی این مؤلفه‌ها درمی‌یابیم در بعد بهزیستی روانی اگرچه با مشکلات و معضلات حادی مواجه بوده‌ایم اما به مرور زمان افراد توانسته‌اند با افزایش میزان تاب‌آوری، سازگاری و درک بهتری با شرایط پیدا کرده و بر محیط غلبه کرده و روابط آسیب‌دیده اجتماعی را ترمیم کنند. در چالش‌های بروز یافته اقتصادی و اجتماعی با تغییر در الگوهای کسب و کار و فرصت‌های شغلی امروز شاهد مشاغل نوظهور و مبتنی بر استفاده از شبکه‌های

